ناصر مکارم شیرازی

خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

ویرانگری کاپیتالیسم در تمام زمینه‌ها!

سرمایه داری غربی زیر عنوان « اقتصاد آزاد » آخرین رمق اکثریت مردم زحمتکش جهان را می‌گیرد .

گفتیم **«آزادی نامحدود »** وبدون قیدوشرط وهمچنین **« فردگرائی افراطی»** دوپایه اصلی کاخ افسانه‌ای **«کاپیتالیسم»** راتشکیل می‌دهد وهمین کافی است که این جوامع راازدرون بپوساند وسرانجام متلاشی کند .

کاپیتالیسم وسرمایه داری هیچ راهی جزمسیر استثمار و بردگی اقتصادی گروهی ندارد.

واینکه گمان کنیم که به گفته **آدام اسمیت** یك دست نامرئی درسرمایه‌داری وجود دارد که منافع فرد رابسوی منافع جمع می‌کشاند ، حتی بهتروسریعتر، از شگفت انگیزترین اغراقهاست ، ودرست به‌این می‌ماند که گفته شود هنگامی که ما باهواپیمای مافوق صوت بسوی غرب حرکت کنیم دست نامرئی مخصوصی مارابطرف شرق می‌برد حتی بهتراز موقعی که بخواهیم بسوی شرق برویم !

این سخن یایك فریب است ودام و یایك اشتباه روشن، چراکه محصول فردگرائی چیزی جزتأمین منافع فردنمی‌تواند باشد .

درست است که ازانگیزه‌های فردی بصورت اهرمی برای اهداف جمعی می‌توان استفاده

کرد، اما این تنها درصورتی است که بشکل نامحدود و کاملاآزاد ولجام گسیخته نباشد، بلکه کاملاتحت کنترل وزیرپوشش نظارت جامعه قرار گیرد .

به‌همین دلیل امروزما بوضوح می‌بینیم که کاپیتالیسم راه خودراازمنافع عمومی انسانها جداکرده وچهاراسبه بسوی منافع گروه کوچکی، به زیان توده‌های عظیم مردم جهان، پیش می‌رود ، آنچنان که جدائی‌ها راروزبروز بیشترمی‌کند ، این واقعیت را در چند چهره زیرمی‌توان مشاهده کرد :

۱ ـ گروه‌بندی‌های زیانبار

درست است که رقابت آزادمی‌تواند کمك مؤثری به تامین منافع جامعه کند، ولی این مخصوص به زمانی است که رقابت کنندگان ازمنافع سرشاردسته‌بندی‌ها وباندبازی‌های اقتصادی آگاه نباشند . والابزودی باهم کنارخواهندآمد ودسته‌بندی راجانشین رقابت می‌کند، وباتشکیل کمپانی‌های عظیم، وحتی شرکت‌های چند ملیتی، شرق وغرب دنیارا بسود خود و بزیان مردم کم‌درآمد وفقیر، بهم می‌دوزندآنچنان که درعصرخود مشاهده می‌کنیم .

آنها بخوبی فهمیده‌اند که رقابت آزاد بزیان همه آنها ، وبسود مصرف کنندگان است، چه بهتر که ازاین عمل بی‌حاصل بلکه زیانبارچشم بپوشندوحتی اگرظاهراً رقابتی دربازاربهم‌دارند باتوافق قبلی وپشت‌پرده برای تحمیق مصرف کنندگان انجام گیرد ، واز این راه منافع سرشاری فراهم سازند .

۲ ـ انحصارطلبی جانشین اقتصادآزاد می‌شود

سیستم « تولیدانحصاری » ویا « نمایندگی‌های فروش‌انحصاری » ویا « بازارهای مصرف انحصاری »که زیرچترآزادی تجاری انجام می‌گیرد واحیاناً فلسفه‌هائی برای آن می‌تراشندکه درراه منافع مصرف کنندگان است، درحقیقت منافع جمع راآشکارا فدای منافع فرد می‌کنند، وهمیشه درسایه آن نرخ کالاهای موردنیازبسود تولیدگان ودلالان وواسطه‌ها وبزیان مصرف کنندگان تغییرمی‌یابد .

۳ ـ افزایش شکاف طبقاتی

باتوجه به‌اصل تصاعدی سرمایه وسود ، ونبودن هیچگونه کنترل روی آن در یك جامعه کاپیتالیستی، مرتباً صاحبان صنایع بزرگ راازکارگران وکشاورزان دورمی‌سازد ، و این فاصله روزبروزبزیان اکثریت کم‌درآمدوبسود اقلیت ثروتمندافزایش می‌یابد، گروههائی که به این وضع اعتراض‌دارندکم‌کم متشکل‌می‌شوند ؛ وسرانجام طرفدارسرسخت دگرگون

ساختن نظام سرمایه داری ومحو آن خواهند شد ، و حتی بحکم عکس‌العمل آنچنان راه افراط راپیش می‌گیرندکه اصل مالکیت خصوصی رانیزمنکرمی‌شوند .

۴ ـ دزدیدن افکار مصرف کنندگان

بوجودآوردن **تقاضاهای کاذب** ازطریق دامن زدن به‌تبلیغات دورغین ، و بکار گرفتن همه مسائل روانی‌برای تحریك مردوزن و کوچك وبزرگ خانواده‌ها ، وکشیدن آنان به‌بازارها برای خریداجناس غیرضروری ولوکس،یکی دیگرازسیاست‌های اقتصادی است که‌زیرلفافه‌آزادی «تولید» و«تبلیغ» و«تجارت»بزیان مصرف‌کنندگان انجام می‌گیرد این از یکسو .

ازسوی دیگرهمکاری‌مستقیم وغیرمستقیم‌میان « تولیدکنندگان » و« عرضه‌کنندگان انواع مدها » یکی‌ازچهره‌های زشت همین برنامه ویرانگراست .

آنهاازطریق همین تبلیغات ووسوسه‌ها بسیاری از وسائل مفید راکه سالیان دراز می‌توان ازآن استفاده‌کرد (اعم‌ازاتومبیل ولباس وفرش وغیرآن) بعنوان اینکه از مد افتاده‌ازارزش انداخته وانواع دیگری‌به‌عنوان‌اینکه مدروزاست جانشین آن می‌کنند .

اگرآماروارقام‌گویائی‌دراین‌زمینه دردست داشتیم معلوم می‌شد چه‌اندازه ازوسائل قابل استفاده ازطریق همین موضوع « مد » ویاعناوین‌فریبنده دیگری از ارزش می‌افتد و چه ثروت‌هائی‌بیهوده نابود می‌شود .

درست‌است که‌تبلیغ بمعنی‌واقعی‌کلمه یعنی‌بالابردن سطح‌آگاهی‌مردم‌نسبت بامتیازات یك‌کالا ممکن‌است اثرمثبتی حتی درتنزل نرخ‌ها داشته‌باشد ، زیرااینکارمی‌تواند تقاضارا بسطحی‌برساندکه تولیدجنسی‌مرغوب درمقیاس‌وسیع‌تری انجام‌گیرد، ومی‌دانیم هراندازه دائره‌تولیدوسیع‌ترباشدجنس‌ارزانترتمام‌می‌شودوبنابراین‌بنفع‌مصرف‌کنندگان‌نیزخواهدبود.

ولی‌مسلم است که‌تبلیغات سالم تجارتی دردنیای‌کاپیتالیسم بسیارکم‌است،وتبلیغات آنها غالباًگمراه‌کننده وبه منظوردزدیدن افکارمصرف‌کنندگان انجام می‌گیرد .

۵ ـ روی‌آوردن به‌تولیدکالاهای تجملی

کاپیتالیسم‌بااستفاده ازعنوان‌آزادی تولید وتجارت ، بسیاری از مغزهای نیرومند صنعتی‌راباحقوق زیادبسوی اختراع وتولید کالاهای‌تجملی سوق می‌دهد وحتی درآنجاکه نتواند به‌یك محصول‌جدید دست یابد همان محصول‌سابق‌راباپرچسب جدیدی بعنوان یك محصول‌تازه عرضه می‌کند،وروی‌آن تبلیغات‌فراوانی به‌راه می‌اندازد، وازاین‌طریق‌ثروت مردم‌رامی‌دزد .

به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که بازارها درکشورهای صنعتی - وشاید ازآن بیشتر درکشورهای غیرصنعتی اماپردرآمد مانند ممالك نفت خیز- مملواست از انواع کالاهای تجملی ووسائل دروغی زیبائی‌اندام ودکورهای جالب و عناوین دیگر که غالباً به هیچ دردنمی‌خورد وبه‌زورتبلیغات دروغین ، مردم‌بی‌خبررابسوی آنها می‌کشانند تاثروت‌های خودرا بیهوده بپای‌این‌اجناس بنجل‌بریزند .

آیاتمام این امورمصداق روشن منافع جامعه رافدای منافع‌فردکردن نیست .

۶ـ در اختیارگرفتن قیمت‌ها

درسیستم کاپیتالیستی‌نه‌تنها قیمت کالاهای تولیدی دردست سرمایه داران بزرگ‌است بلکه قیمت مواد خام‌راکه ازدیگران خریداری می‌کنند نیزعملا دراختیارآنها می‌باشد،چه اینکه این‌گونه سرمایه داران بزرگ با استفاده ازقدرت مالی‌خود و ضعف بنیه اقتصادی صاحبان‌موادخام‌غالباًمی‌توانندقیمت‌های‌آنهاراپائین‌وقیمت محصولات‌خودرابالانگهدارند؛ بهمین دلیل‌بسیارمی‌بینیم‌که یك ماده‌فوق‌العاده‌کم‌قیمت‌به ضمیمه مقداری تکنیك وصنعت بقیمت فوق‌العاده‌ای فروخته می‌شود .

* * *

اینگونه‌کارهاکه شش نمونه‌آن‌گفته شد بضمیمه فعل و انفعالات پیچیده دیگری‌که فقط مغزهای‌اقتصادی‌نیرومند ازفرمول‌های‌آنهاباخبراست نتیجه‌ای جزفقربیشترتوده‌های وسیع مردم جهان وثروت هرچه بیشتراقلیتی خودخواه وخودکامه ندارد،آیا چنین‌رقابت آزاد وچنین سیستم اقتصادی هرگزمی‌تواند حافظ منافع اکثریت مردم جهان شود، وآیا جزانباشتن ثروت افسانه‌ای دردست‌گروه کوچکی در برابر فقرگروهای عظیمی ثمره‌ای خواهد داشت (البته اینها همه درباره سرمایه داری‌کنونی درجهان غرب است ومالکیت خصوصی رابطورکلی نفی‌نمی‌کند) .